



مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی

(اسلام و حقوق موضوعه)

جلد دوم

ارکان جرم

دکتر جلال الدین قیاسی

دکتر عادل ساریخانی

دکتر قدرت الله خسروشاهی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۸۹

قیاسی، جلال‌الدین

مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی: اسلام و حقوق موضوعه / مؤلفان جلال‌الدین قیاسی، حمید دهقان، قدرت‌الله خسروشاهی؛ با نظارت مصطفی محقق‌داماد. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.

شانزده، ۳۱۷ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۳، ۱۳۹. گروه حقوق؛ ۱۴)

بها: ۲۵۰۰۰ ریال. (ج ۱) ISBN: 964-7788-61-4

ج. ۲: ۳۷۰۰۰ ریال. (ج ۲) ISBN: 978-964-7788-92-2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

مؤلفان جلد دوم جلال‌الدین قیاسی، عادل ساریخانی و قدرت‌الله خسروشاهی می‌باشند.

ج. ۱ (چاپ دوم: ۱۳۸۵) (فیپا).

ج. ۲ (چاپ دوم: ۱۳۸۹) (فیپا).

کتابنامه: ص. [۴۸۷] - ۴۹۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

ج. ۱. کلیات. ج. ۲. ارکان جرم.

۱. عرف - ایران. ۲. حقوق جزا (فقه). ۳. فقه تطبیقی. الف. دهقان، حمید، ۱۳۳۹. ب. خسروشاهی،

قدرت‌الله، ۱۳۴۱. ج. محقق‌داماد، مصطفی، ۱۳۲۴. د. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ه. عنوان.

۲۹۷/۳۷۵

BP ۱۹۵/ق ۹م

م ۸۱-۲۸۴۷۷

کتابخانه ملی ایران



مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی؛ اسلام و حقوق موضوعه (ج ۲): ارکان جرم

مؤلفان: دکتر جلال‌الدین قیاسی، دکتر عادل ساریخانی و دکتر قدرت‌الله خسروشاهی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار ۱۳۹، گروه حقوق ۱۴)

ویراستار: محمود سوری

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: پاییز ۱۳۸۹ (چاپ اول: بهار ۱۳۸۸)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۴۲۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قسم: ابستدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه □ تلفن: ۲۱۱۱۱ (۰۲۵۱) انتشارات ۲۹۰۶۰۳۰

نمبر: ۲۸۰۲۰۹۰ و ۲۹۰۹۲۱۰، ص. پ. ۲۷۱۸۵.۲۱۵۱ □ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو □ تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

Email: info.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی و تحقیقی برای دانشجویان رشته حقوق در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای خود، این پژوهشکده را در جهت اصلاح این کتاب و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلفان محترم آقایان دکتر جلال‌الدین قیاسی، دکتر عادل ساریخانی و دکتر قدرت‌الله خسروشاهی و همچنین ارزیابان محترم دکتر جعفر کوشا، دکتر محمدابراهیم شمس‌ناتری و حجة الاسلام والمسلمین ابوالقاسم علیدوست، تقدیر و تشکر نماید.

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
مقدمه	۱
کلیات	۵
مبحث اول: تعریف جرم	۵
گفتار اول: جرم از دیدگاه حقوق دانان کیفری	۵
گفتار دوم: تعریف جرم از دیدگاه جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان	۷
گفتار سوم: تعریف جرم از دیدگاه روان‌شناسی	۹
گفتار چهارم: تعریف جرم از دیدگاه فقهی	۱۰
الف) جرم و گناه در صدر اسلام	۱۲
ب) رابطه جرم و گناه در حال حاضر	۱۹
مبحث دوم: ملاک جرم‌انگاری	۲۱
مبحث سوم: ارکان عمومی جرم	۲۵
الف) دیدگاه سه‌رکنی	۲۵
ب) دیدگاه چهار رکنی	۲۷
فصل اول: رکن قانونی جرم	۲۹
مبحث اول: اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق موضوعه	۲۹
گفتار اول: تاریخچه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها	۳۰
گفتار دوم: تفکیک اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها	۳۱
گفتار سوم: اصل قانونی بودن جرم	۳۱

۳۳	گفتار چهارم: مبانی اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق
۳۳	الف) دلایل مبتنی بر دیدگاه منفعت‌گرایانه و عمل‌گرایانه
۳۴	ب) دلایل مبتنی بر امور ارزشی
۳۵	گفتار پنجم: انتقادهای وارد بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات
۳۵	الف) انتقاد دانشمندان مکتب تحقیقی
۳۶	ب) محدودیت در برخورد با اخلاک‌گران در نظم و اخلاق جامعه
۳۸	ج) انتقادهای حکومت‌های دیکتاتوری
۳۹	د) پاسخ به انتقادهای
۴۰	گفتار ششم: اصل قانونی بودن جرم از حقیقت تا عمل
۴۱	گفتار هفتم: اصل قانونی بودن مجازات
۴۱	الف) موارد تعدیل در اصل قانونی بودن مجازات
۴۵	گفتار هشتم: نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات
۴۸	گفتار نهم: اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق فعلی ایران
۴۹	گفتار دهم: ارتباط اصل ۱۶۷ قانون اساسی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها
۵۴	مبحث دوم: اصل قانون بودن جرم در حقوق اسلامی
۵۵	گفتار اول: آیات قرآن
۵۷	گفتار دوم: روایات
۵۷	گفتار سوم: سخن دانشمندان اسلامی (دلیل عقلی)
۵۹	مبحث سوم: اصل قانونی بودن مجازات در اسلام
۵۹	گفتار اول: معین بودن تعزیرات
۶۲	گفتار دوم: نامعین بودن مجازات تعزیری
۶۶	مبحث چهارم: تفسیر قوانین کیفری در حقوق موضوعه
۶۶	گفتار اول: ضرورت تفسیر قانون
۶۷	گفتار دوم: تعریف تفسیر قانون
۶۷	گفتار سوم: موارد تفسیر قانون
۶۸	گفتار چهارم: انواع تفسیر با توجه به مرجع تفسیرکننده قانون
۶۸	الف) تفسیر قانونی
۶۸	ب) تفسیر قضایی
۶۹	ج) تفسیر شخصی یا تفسیر علمای حقوق (دکترین)
۶۹	د) تفسیر نهادهای مشورتی

۶۹	گفتار پنجم: مکاتب تفسیری
۷۰	الف) مکتب پیروی از اراده مقنن
۷۱	ب) مکاتب تفسیر آزاد
۷۳	ج) مکتب تفسیری قابل قبول
۷۴	گفتار ششم: روش‌های تفسیری
۷۴	الف) روش‌های متکی بر قراین داخلی
۷۵	ب) روش‌های متکی بر قراین خارجی
۷۷	ج) روش‌های متکی بر یک فرض قانونی در مقام شک
۸۶	مبحث پنجم: تفسیر قوانین کیفری در حقوق اسلامی
۸۶	گفتار اول: وجه اشتراک حقوق اسلامی و حقوق عرفی
۸۶	الف) تفسیر به نفع متهم
۹۰	ب) اجرای اصول عملی و لفظی
۹۵	گفتار دوم: وجوه افتراق
۹۵	الف) منع قیاس
۹۶	ب) تفاوت ذهنیت حقوق دانان و فقها
۹۸	مبحث ششم: تقسیم‌بندی جرایم بر اساس رکن قانونی در حقوق موضوعه
۹۸	گفتار اول: تقسیم جرم از حیث شدت و ضعف مجازات‌ها
۹۹	گفتار دوم: تقسیم‌بندی بر اساس نوع محاکمه
۱۰۰	گفتار سوم: تقسیم بر اساس نوع تعقیب
۱۰۰	گفتار چهارم: تفاوت جرم جزایی از جرم مدنی، شبه جرم
۱۰۳	گفتار پنجم: تفاوت جرایم و مجازات‌های انتظامی با جرایم عمومی
۱۰۳	الف) تعریف خطای انتظامی
۱۰۳	ب) تفاوت
۱۰۴	مبحث هفتم: تقسیم‌بندی جرایم بر اساس رکن قانونی در حقوق اسلامی
۱۰۶	گفتار اول: بحثی در مجازات‌های بازدارنده
۱۰۹	فصل دوم: رکن مادی
۱۰۹	مقدمه
۱۱۱	مبحث اول: رکن مادی جرم در حقوق عرفی
۱۱۱	گفتار اول: شکل‌های گوناگون تحقق رکن مادی
۱۱۱	الف) فعل

۱۱۱ (ب) ترک فعل
۱۱۲ (ج) فعل ناشی از ترک فعل
۱۱۶ گفتار دوم: مراحل گوناگون تحقق رکن مادی جرم
۱۱۶ (الف) قصد ارتکاب جرم
۱۱۷ (ب) اعمال مقدماتی
۱۱۸ (ج) شروع به جرم
۱۲۸ (د) جرم عقیم و جرم محال
۱۳۶ مبحث دوم: رکن مادی جرم از دیدگاه فقه جزایی اسلام
۱۳۶ گفتار اول: شکل‌های گوناگون تحقق رکن مادی در فقه جزایی اسلام
۱۴۰ گفتار دوم: مراحل گوناگون تحقق رکن مادی جرم
۱۴۰ (الف) قصد ارتکاب جرم
۱۴۱ (ب) اعمال مقدماتی
۱۴۴ (ج) شروع به جرم
۱۴۶ (د) جرم عقیم
۱۴۷ (ه) جرم محال
۱۵۳ مبحث سوم: رابطه سببیت
۱۵۵ گفتار اول: شیوه‌های دخالت انسان در وقوع یک فعل
۱۵۵ ۱. مباشرت
۱۵۶ ۲. تسبیب
۱۵۶ ۳. شرط
۱۵۷ گفتار دوم: روش‌های دخالت انسان در وقوع جرم
۱۵۷ ۱. ارتکاب جرم به صورت مباشرت
۱۵۸ ۲. ارتکاب جرم به صورت تسبیب
۱۶۱ ۳. تأثیر در ارتکاب جرم به صورت شرط
۱۶۲ ۴. اجتماع سبب و مباشر در ارتکاب جرم
۱۶۸ ۵. اجتماع اسباب
۱۶۹ گفتار سوم: نظریه‌های تسبیب
۱۶۹ (الف) نظریه‌های حقوقی
۱۷۷ (ب) نظریه‌های فقهی
۱۸۲ نتیجه‌گیری

۱۸۲	مبحث چهارم: تقسیم‌بندی جرایم بر اساس رکن مادی و آثار آن
۱۸۲	گفتار اول: حقوق موضوعه
۱۸۳	الف) تقسیم‌بندی جرم از نظر زمان وقوع رکن مادی
۱۸۹	ب) تقسیم‌بندی جرم از نظر اجزای تشکیل دهنده رکن مادی
۱۹۰	ج) تقسیم‌بندی جرم از نظر تکرار رکن مادی
۱۹۴	د) تقسیم‌بندی جرم از نظر مشهود یا نامشهود بودن رکن مادی
۱۹۵	گفتار دوم: حقوق جزای اسلام
۱۹۹	فصل سوم: رکن روانی
۱۹۹	مبحث اول: طرح مسئله و موقعیت رکن روانی
۱۹۹	گفتار اول: حقوق موضوعه
۲۰۳	گفتار دوم: موقعیت رکن روانی جرم در اسلام
۲۰۵	مبحث دوم: تعریف رکن روانی جرم و مقایسه آن با ارکان دیگر
۲۰۵	گفتار اول: تعریف
۲۰۵	الف) حقوق موضوعه
۲۰۷	ب) حقوق اسلام
۲۰۸	گفتار دوم: مقایسه رکن روانی با ارکان دیگر
۲۰۸	الف) در مقایسه با رکن قانونی
۲۰۸	ب) در مقایسه با رکن مادی
۲۰۹	مبحث سوم: تحولات تاریخی درباره رکن روانی جرم
۲۰۹	گفتار اول: حقوق موضوعه
۲۱۰	الف) دوران‌های کهن
۲۱۳	ب) دوران معاصر
۲۱۶	گفتار دوم: تاریخ تحولات رکن روانی در اسلام
۲۱۷	الف) جبر
۲۱۸	ب) تفویض یا اختیار مطلق
۲۱۹	ج) الامر بین‌الامرین
۲۲۰	مبحث چهارم: معیار قابلیت سرزنش
۲۲۰	گفتار اول: حقوق موضوعه
۲۲۲	گفتار دوم: معیار قابلیت سرزنش در حقوق اسلام

۲۲۳	مبحث چهارم: اجزا و عناصر رکن روانی
۲۲۳	گفتار اول: اجزا و عناصر رکن روانی در جرایم عمدی
۲۲۳	الف) حقوق موضوعه
۲۵۷	ب) اجزا و عناصر رکن روانی در حقوق اسلام
۲۸۹	گفتار دوم: رکن روانی در جرایم غیر عمدی
۲۸۹	الف) حقوق موضوعه
۳۰۲	ب) رکن روانی در جرایم غیر عمدی در حقوق اسلام
۳۰۷	مبحث پنجم: تقسیم جرم با توجه به رکن روانی
۳۰۸	گفتار اول: جرایم مطلق (مادی) و جرایم مقید
۳۰۸	الف) در حقوق موضوعه
۳۰۸	ب) حقوق اسلام
۳۰۹	گفتار دوم: تقسیم جرم با توجه به شدت و ضعف رکن روانی
۳۰۹	الف) حقوق موضوعه
۳۱۱	ب) حقوق اسلام
۳۱۱	گفتار سوم: تقسیم رکن روانی جرم از لحاظ نتایج حاصله
۳۱۱	الف) حقوق موضوعه
۳۱۴	ب) حقوق اسلام
۳۱۷	منابع و مأخذ
۳۲۹	نمایه‌ها
۳۲۹	نمایه اعلام
۳۳۳	نمایه موضوعی
۳۴۷	نمایه اماکن
۳۴۸	نمایه قوانین
۳۵۱	نمایه آیات
۳۵۲	نمایه روایات

پیشگفتار

برخلاف علوم تجربی، حرکت کاروان علوم انسانی همواره شتاب کمتری داشته است، تا بدانجا که دستیابی به سرّ این اختلاف، ذهن دانشمندانی چون کانت را به خود مشغول کرده است. تحولات سریع و همه‌جانبه جوامع بشری در قرون اخیر، علوم انسانی را نیز به شدت متأثر و متحول کرده است، اما چنین شتابی بیشتر در آن دسته از علوم انسانی که روش تجربی به خود گرفته است، مشاهده می‌شود. در پاره‌ای از رشته‌ها همچون حقوق، کندی آهنگ این قافله هنوز محسوس است و این در حالی است که از همین تغییرات اندک، هر یک از شاخه‌های حقوق بهره‌متفاوتی داشته‌اند و برخی از رشته‌ها همچون حقوق محیط زیست، حقوق بشر یا جزای بین‌الملل نسبت به حقوق مدنی شاهد تغییرات بیشتری بوده‌اند.

حقوق جزا به دلیل ارتباط وثیق با عاملی انسانی (مجرم)، کم و بیش عرصه‌اندیشه‌های گوناگون بوده و حداقل در سده اخیر فراز و نشیب‌های فراوانی را به خود دیده است. تغییرات عمده حقوق جزا را در چند محور مجازات و نحوه اجرای آن، تنوع یافتن جرایم، و حدود مسئولیت کیفری می‌توان مشاهده کرد. مقایسه میزان تغییرات صورت گرفته و زمان آن - که به بیش از یکصد سال می‌رسد - نشان می‌دهد میزان این تحول بسیار اندک بوده است. شاهد بر این مدعا، مجموعه قوانین کیفری فرانسه معروف به «کد ناپلئون» است که در سال ۱۸۱۰ تصویب شد و در سال ۱۹۹۲، پس از گذشت ۱۸۲ سال جای خود را به مجموعه قوانین جدید داد.

انعکاس این ماندگاری و سکون، در کتب حقوقی نیز به چشم می‌خورد. غالب این کتاب‌ها چیزی بر میراث پیشینیان نمی‌افزایند و تنها به یمن تغییر قوانین موضوعه است که می‌توان در کتب جدید، سخن جدیدی یافت. این خصیصه در حقوق جزای عمومی به دلیل آنکه ناظر به قوانین عام حقوق جزاست و کلیت و ثبات بیشتری دارد، به نحوه بارزتری به

چشم می‌خورد تا آنجا که حتی با بروز انقلاب عظیم اسلامی و تأثیر عمیق آن بر نظام حقوقی کشور نیز این رشته از حقوق کمتر دستخوش تغییر و تحول گردید و تحولات، بیشتر در حقوق جزای اختصاصی رخ داد.

در چنین فضایی آنچه مؤلفان این کتاب را به نگاشتن آن برمی‌انگیخت، ارائه دیدگاه‌های حقوق کیفری اسلام در خصوص مسائل حقوق جزای عمومی بود؛ چه آنکه از یک سو اکثر تربیت‌یافتگان دانشکده‌های حقوق، اطلاع چندانی از فقه اسلامی و مبانی آن ندارند و از سوی دیگر، فقه‌آموختگان حوزوی نیز با اصطلاحات حقوقی، مواد قانونی، مبانی نظری و بسیاری از مسائل این علم چندان آشنا نیستند. لذا از بدو پیروزی انقلاب تاکنون شاهد تألیفی عمیق در زمینه حقوق جزای عمومی از دیدگاه حقوق اسلام نبوده‌ایم و بدین لحاظ بحث و بررسی مسائل جزای عمومی در پرتو منابع اسلامی ضروری می‌نمود. مؤلفان کتاب که توفیق حضور و تلمذ در حوزه و دانشگاه را توأمان داشته‌اند به منظور بازنگری مباحث یاد شده، از هر دو دیدگاه حقوق عرفی و حقوق اسلامی و به امید آنکه این تحقیق راه را بر تحقیقات گسترده‌تر هموار سازد، بدین کار پرداختند. در خصوص تحقیق حاضر تذکر چند نکته ضروری است:

الف) برخی از حقوق‌دانان معتقدند اصولاً چیزی به نام «حقوق جزای عمومی اسلام» وجود ندارد؛ زیرا در منابع اسلامی چنین عنوانی را نمی‌یابیم و حتی در حقوق عرفی نیز جزای عمومی سابقه چندانی ندارد؛ آنچه در تاریخ حقوق مشاهده می‌شود جزای اختصاصی است و با گذشت قرن‌ها حقوق‌دانان کیفری موفق شده‌اند قواعد عامی را از دل احکام خاص کیفری استخراج و تحت عنوان جزای عمومی عرضه کنند. لذا این شاخه حقوق، قدمت چندانی ندارد تا اسلام در مورد آن نظری داده باشد و آنچه در حقوق اسلام وجود دارد، همان جزای اختصاصی است.

بی‌تردید این دیدگاه چندان مقرون به صواب نیست؛ زیرا هر چند در حقوق اسلام به برخی از مباحث جزای عمومی مانند تعلیق مجازات، آزادی مشروط یا پاره‌ای از تقسیم‌بندی‌ها اشاره‌ای نشده است، اما مباحث عمده‌ای همچون حدود مسئولیت کیفری، قلمرو حقوق کیفری در زمان و مکان، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تسبیب و امثال آن، به تفصیل بررسی شده است. در این مورد نباید چندان در بند اسم و عنوان یا نحوه تبویب مسائل بود؛ آنچه مهم است، طرح ماهوی بحث در پرتو نظام حقوقی است؛ برای مثال در کتب فقهی برخی از مباحث جزای عمومی مانند بحث «بلوغ» در کتاب حَجْر و بحث «اکراه» در کتاب بیع و طلاق و بحث «تسبیب» در کتاب غصب و قصاص و دیات مطرح شده است.

بدیهی است پراکندگی این مسائل بدان معنا نیست که اسلام در خصوص آنها سخنی ندارد. آنچه استادان قدیمی حقوق ما بدان خو گرفته‌اند، بیشتر، اصطلاحات، تقسیم‌بندی و تبویب مسائل بر اساس حقوق اروپای برّی و عمدتاً کشور فرانسه است، در حالی که در «کامن لا» یا حقوق اسلام نیز همین مسائل مطرح بوده؛ هر چند محل بحث یا شکل ارائه آن ممکن است تفاوت داشته باشد.

ب) عنوان آغازین این تحقیق، حقوق جزای عمومی اسلام بوده است، اما آنچه به تدوین کتاب در شکل فعلی آن منجر گردید، ملاحظه این نکته بود که هر علم مجموعه قضایایی است که در مقام پاسخگویی به سؤالات خاصی ارائه شده و ماهیت ویژه همین مسائل است که به شکل‌گیری، تبویب و فهرست‌بندی خاص هر علم منجر می‌شود. از آنجا که هدف از تألیف این کتاب، قبل از هر چیز، آشنایی دانشگاهیان با حقوق جزای عمومی اسلام بود، به ناچار باید طرح بحث در قالب همان عناوین مرسوم در کتاب‌های حقوقی صورت می‌گرفت تا دانشجویان و استادان دانشگاهی پاسخ هر سؤال را در جایگاه خویش به راحتی بیابند و دیدگاه اسلام درباره مسائل حقوق عرفی، به روشنی دانسته شود. برای مثال حکم اسلام در مورد «عطف قانون به ماسبق»، باید در بخش قلمرو حقوق کیفری در زمان، و صلاحیت قانون اسلامی در خصوص رسیدگی به جرایم مسلمانان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی، در بخش قلمرو حقوق کیفری در مکان مطرح شود؛ بنابراین باید قبل از هر چیز تعریف موضوع، طرح مسئله و تبیین حکم آن از دیدگاه حقوق عرفی روشن، و پس از آن به بررسی مسئله از منظر حقوق اسلامی پرداخته شود. به همین لحاظ کتاب حاضر توأمان، حقوق اسلام و حقوق عرفی را مورد بحث قرار داده است. برای این منظور ابتدا مسائل در حقوق عرفی طرح و بررسی و سپس در پرتو حقوق اسلامی ارزیابی شده است. باید خاطر نشان ساخت که هر چند هدف تحقیق حاضر دستیابی به دیدگاه اسلام در خصوص مسائل جزای عمومی بوده است اما حقوق عرفی نیز به شکل مستوفی نقد و بررسی شده است.

ج) مطالب کتاب به تفکیک زیر نگارش یافته است:

فصل اول توسط آقای جلال‌الدین قیاسی؛ فصل دوم به قلم آقای قدرت‌الله خسروشاهی؛ و فصل سوم توسط آقای عادل ساریخانی.

اما پس از تألیف هر فصل، تمامی مطالب آن در جلسات مشترک، ارزیابی و بر آن اتفاق نظر حاصل شده است و پس از آن توسط محققینی از حوزه و دانشگاه مورد نقد و بررسی مجدد قرار گرفته و متن حاضر که محصول تمامی مباحثات و اصلاحات صورت گرفته می‌باشد، تهیه گردیده است.

(د) به سبب محدودیت‌های ناشی از ماهیت تألیف کتاب‌های حقوقی، از بحث تام و تمام فقهی، به سبک مرسوم حوزوی خودداری شده است. و سرانجام باید متذکر شد که هر چند برای تألیف کتاب حاضر به منابع گسترده‌ای مراجعه شده و مطالب آن، حاصل کارِ جمعی چند ساله است، اما به هر حال مصون از خطا و لغزش نیست. نو بودن و نیز پیچیده بودن برخی مسائل - که در کتب فقهی با معیارهای دیگری مطرح و در حال حاضر عناصر فراوانی به موضوع آن اضافه شده است - بحث و بررسی در خصوص آنها را دشوار می‌سازد. امید است ارباب تحقیق ما را از تذکرات و راهنمایی خویش بهره‌مند سازند.

جلال‌الدین قیاسی

عادل ساریخانی

قدرت‌الله خسروشاهی

مقدمه

جرم، یکی از دیرپاترین مفاهیم در تاریخ حیات بشری است و سنت قانون شکنی، در تمامی تار و پود تاریخ آدمی به چشم می خورد. امروزه جرم به یکی از بزرگ ترین معضلات حیات بشر تبدیل شده است و تمامی آمارها از رشد روزافزون کمی، تنوع انواع رفتارهای مجرمانه و پیچیده تر شدن نحوه ارتکاب آن حکایت می کند. جرم آن چنان با زندگی بشر عجین شده است که برخی از جامعه شناسان همچون دورکیم، وجود آن را امری بهنجار (normal) پنداشته اند.^۱ امروزه به یاری علم آمار، ابعاد وحشتناک آثار مخرب جرم بیش از گذشته روشن شده است.

بر اساس آمار نقل شده از بولتن آمار وزارت کشور انگلیس، در سال ۱۹۹۷، حدود ۱,۲۹۳,۰۰۰ وسیله نقلیه سرقت شده یا اموال آنها به سرقت رفته، دیگر سرقت ها یا فروش اموال مسروقه ۱,۰۹۰,۰۰۰، ورود غیرمجاز به منازل به قصد ارتکاب جرم (burglary) ۱,۱۶۴,۰۰۰، جرایم خشونت بار (از جمله سرقت همراه با خشونت) ۳۴۴,۰۰۰، کلاهبرداری و جعل ۱۳۶,۰۰۰ و جرایم جنسی ۳۱,۰۰۰ بوده است. مقایسه آمار یاد شده با سال های ۱۹۵۴-۱۹۵۰ نشان می دهد میزان جرایم از نیم میلیون به پنج میلیون، یعنی حدود ده برابر افزایش یافته است.^۲ نکته قابل توجه آنکه ارقام بالا، تنها مربوط به جرایم درخور توجه (notifiable) در کشور انگلیس و ولز است که از سوی پلیس ثبت شده است. این در حالی است که نظرسنجی های مکرر در بریتانیا نشان می دهد تنها بخش کمی از جرایم به آمار جنایی راه می یابد.^۳ تفاوت جرایم ظاهری (ثبت شده از سوی پلیس) و جرایم واقعی، همان چیزی است که جرم شناسان از آن به «رقم سیاه» تعبیر می کنند. رقم سیاه نشان

۱. دورکیم، قواعد روش جامعه شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، ص ۹۰.

2. Mike Maguire, Rod Morgan and Robert Reiner, *The Oxford Handbook of Criminology*, 2th ed., Oxford University Press, 1997, pp.135-136. 3. Ibid, p.136.

می دهد آمار و ارقام موجود، همچون قسمت مرئی یک کوه یخ هستند که قسمت اعظم آن پنهان است.

نگاهی به آمار جنایی آمریکا نیز نشان می دهد که در سال ۱۹۸۹، در هر شش دقیقه یک تجاوز جنسی همراه با عنف، در هر ده ثانیه یک ورود غیرمجاز به خانه دیگری به قصد ارتکاب جرم، هر سه ثانیه یک جرم مالی، هر نوزده ثانیه یک جرم خشونت بار و در هر ۲۴ دقیقه یک قتل عمد صورت گرفته است. سرقت با خشونت، هر ۵۵ ثانیه یکبار و سرقت عادی، هر چهار ثانیه یکبار بوده است.^۱ جرم در حال حاضر، شکل انفرادی و ساده خویش را در گذشته پشت سر گذاشته و وارد مرحله سازمان یافته و نیمه سازمان یافته شده است. انستیتوی ملی آمریکا تخمین می زند که بیش از ۸۶۰۰ باند جنایی^۲ با بیش از ۳۷۸,۰۰۰ عضو در آمریکای امروز وجود دارد.^۳ این باندهای جنایی، حالت نیمه سازمان یافته دارند و اهداف مقطعی و کوتاه مدتی را دنبال می کنند، اما در کنار آنان سازمان های جنایی پیچیده با سازمان دهی کامل و شبکه گسترده در سطح ملی یا بین المللی وجود دارد که مرتکب جرایم سازمان یافته بین المللی همچون تجارت انسان، قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و غیره می شوند. بر اساس آمار موجود، قاچاق مواد مخدر با درآمد سالانه حدود پانزده میلیارد دلار، دومین تجارت جهانی پس از تجارت اسلحه است. شبکه های ارتکاب قاچاق مواد مخدر افزون بر این جرایم، جرایم جانبی دیگر مانند قتل، خشونت، اخاذی، تهدید، تبانی، ارتشا، فرار از مالیات و پول شویی را نیز مرتکب می شوند.^۴ سالانه پانصد هزار زن فقط در اروپا برای بهره برداری جنسی قاچاق می شوند و خرید و فروش زنان و دختران، سالانه هفت میلیارد دلار درآمد دارد.^۵ آثار جنبی چنین جرایمی خود ابعاد گسترده ای دارد. تعداد مصرف کنندگان مواد مخدر در جهان نود میلیون نفر است. سالانه حدود ۷۸۰ تن مواد مخدر به ارزش ۲۲۵ میلیارد تومان در ایران مصرف می شود و خسارت های ناشی از مصرف و قاچاق مواد مخدر در کشور سالانه بالغ بر ۱۵۰۰ میلیارد تومان است.^۶

1. Donald Light, Suzane Keller and Craig Calhom, *Sociology*, 6th ed., Random House, 1994, p.169.

2. Gang

3. Diana Kendall, *Sociology in Our Time*, Second ed., 1999, U.S., ITP, p.159.

۴. شمس ناتری، سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد حقوق جزای بین الملل، رساله دکتری حقوق

جزا و جرم شناسی - تربیت مدرس تهران، سال ۱۳۸۰، ص ۹۱.

۵. همان، ص ۹۵.

۶. همان، ص ۹۲.

واکنش جوامع در برابر این سیل سهمگین تباهی، در طول تاریخ متفاوت بوده است. هر چند نظام کیفری و مجازات‌ها، تنها تمهید این عرصه مبارزه نیست و اخلاق، مذهب، فراهم آوردن برخی تسهیلات و ایجاد برخی موانع در قالب آموزش یا اقدامات تأمینی و تربیتی به قصد پیش‌گیری از جرم، یا اصلاح مجرمان نیز نقش مؤثری در برخورد با جرم داشته و دارند، اما به هر حال نظام کیفری، از شایع‌ترین و کهن‌ترین ابزارهای بشر در میدان مبارزه با جرم بوده است. از این رو، دانشمندان حقوق کیفری بحث‌های فراوانی در خصوص تعریف جرم، تحلیل عناصر آن، تقسیم‌بندی و تفکیک انواع و اقسام جرم داشته‌اند. عالمان دین نیز از منظر شریعت اسلامی به همین مهم دست زده‌اند. در این فصل، نخست جرم و مفاهیم مشابه آن را تعریف کرده‌ایم، سپس عناصر آن مورد بحث قرار گرفته و سرانجام به تقسیم‌بندی جرایم پرداخته‌ایم.

صفحه ۴ خالی می باشد

کلیات

مبحث اول: تعریف جرم

جرم در لغت به معنای گناه، خطا، ذنب، تعدی، عصیان، ناشایست و مانند آن آمده است.^۱ اما دانشمندان علوم گوناگونی مانند حقوق کیفری، جرم‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به تناسب ارتباط رشته علمی خود با جرم، به بررسی و تعریف آن پرداخته‌اند.

گفتار اول: جرم از دیدگاه حقوق‌دانان کیفری

معمولاً حقوق‌دانان پیش از تعریف جرم، به این نکته می‌پردازند که جرم امری نسبی است و از زمانی به زمانی و از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر تفاوت می‌کند. مثلاً عملی مانند سحر در گذشته جرم بوده، ولی امروزه از آن جرم‌زدایی شده است. یا چندهمسری در جامعه‌ای جرم و در جامعه‌ای دیگر امری قانونی است. آنگاه حقوق‌دانان از این نسبییت چنین نتیجه می‌گیرند که تعریف جرم، امری مشکل است.^۲ برای مثال، نویسنده کتاب حقوق کیفری می‌نویسد: «امروزه تعریف جرم در ابتدای کتاب‌های حقوق‌چندان مرسوم نیست؛ زیرا تعریف جامع و مانع آن ممکن نیست. از طرف دیگر، تعریف جرم با این مشکل مواجه است که نمی‌تواند معیاری برای شناخت جرم به ما بدهد. ملاک قانونی نیز ماهیت عمل را عوض نمی‌کند؛ زیرا خودکشی تا آگوست سال ۱۹۶۱ جرم بود، ولی به موجب قانون خودکشی^۳ جایز شد. همچنین هم‌جنس‌بازی که تا ۲۷ ژولای ۱۹۶۷ جرم بود و پس از آن جایز شد. بنابراین، حقوق‌دانان به جای تعریف^۴ جرم، به ذکر مشخصات^۵ آن می‌پردازند. مثلاً با معیار

۱. دهخدا، لغت‌نامه، واژه جرم.

۲. الزغبی، الموسوعة الجزائیه، ج ۱، ص ۲۲۶.

3. Suicide ACT

4. Defenition

5. Caractristics

ضرر گفته می‌شود جرم چیزی بیش از ضرر به حقوق شخصی افراد است و به جامعه ضرر می‌زند. کارلتن آلن^۱ می‌نویسد: جرم، جرم است؛ زیرا امنیت و رفاه و سلامت جامعه را مستقیماً و به طور جدی تهدید می‌کند و سزاوار هم نیست که آن را به جبران خسارت شخص زیان دیده واگذار کنیم»^۲.

به نظر می‌رسد چنین حقوق دانانی میان دو مسئله «چه چیزی جرم است؟» و «چه چیزی باید جرم باشد؟» خلط کرده‌اند. اینکه چه چیزی جرم است، مسئله مردم و قاضی است. مردم باید بدانند چه فعل یا ترک فعلی جرم است تا از آن بپرهیزند و قاضی باید بداند چه چیزی جرم است تا مرتکب آن را مجازات کند، ولی اینکه چه عملی و با چه ویژگی‌هایی باید جرم باشد، پرسشی است که قانون‌گذار با آن روبه‌روست. در این مرحله است که پای معیار و ملاک جرم‌انگاری به میان می‌آید و قانون‌گذار با این پرسش پیچیده روبه می‌شود که از میان هزاران فعل و ترک فعلی که هر یک ممکن است به گونه‌ای با اخلاق، عرف، مذهب و منافع شخص یا جامعه در تعارض باشد، کدام یک را جرم اعلام کند. سخن کسی مانند ماکس ول^۳ که می‌گوید: «هر تلاشی برای تعریفی غیر از تعریف قانونی جرم، به پیچیدگی و تناقض مفهوم آن خواهد انجامید؛ زیرا جمع کردن عناصر ثابت و مؤثر در جرم که خود عملی نسبی و غیر قابل تعریف است، ممکن نیست»^۴ ناظر به همین مشکل است که نمی‌توان ماهیت عمل مجرمانه را دقیقاً معلوم کرد و گفت مثلاً عملی خلاف اخلاق یا مضر به سلامت شخص یا جامعه است؛ زیرا بسیاری از اعمال چنین اوصافی را دارند، ولی جرم نیستند و بسیاری از اعمال جرم هستند و چنین اوصافی را ندارند.

بنابراین، کسی که در صدد تعریف جرم است، باید این نکته را مدنظر داشته باشد که مراد وی از تعریف جرم، پاسخ‌گویی بدین پرسش است که: چه عملی باید جرم انگاشته شود یا چه عملی جرم است؟ بسیاری بی‌آنکه این دو مقام را تفکیک کنند، به تعریف جرم پرداخته‌اند. برای نمونه، دقت در گفته کسانی چون هاگان^۵ که با هفت رویکرد متفاوت به تعریف جرم پرداخته، نشان می‌دهد وی به تفکیک این دو مقام بی‌اعتنا بوده است؛ زیرا گاه

1. Carleton Allen

2. Sir John Smith, *Criminal Law*, 8th ed., 1996 Clays LTD Ivesples, pp.16-17.

3. Maxwell

۴. الزغبی، الموسوعة الجزائية، ص ۲۳۱.

5. Hagan

به تعریف قانونی جرم، و زمانی به ماهیت و اوصاف واقعی آن نظر دارد. برای مثال، وی در رویکرد حقوق بشری^۱ می‌گوید هرگاه با عملی به حقوق بشر تجاوز شود، در آنجا جرم رخ داده است؛ خواه جنبه قانونی داشته باشد یا نه. از این رو، تبعیض جنسی، استثمار طبقاتی و نژادپرستی جرم است.^۲

طبیعی است چنین تعریفی، به تعریف قانونی جرم نمی‌پردازد؛ زیرا بود و نبود قانون را یکسان می‌داند. اما در تعریف قانونی از جرم،^۳ وی جرم را چیزی معرفی می‌کند که حکومت آن را جرم بداند؛ یعنی در قانون کیفری آورده شود و ضمانت اجرای کیفری داشته باشد^۴ و این دقیقاً همان چیزی است که به کار مردم و قاضی می‌آید نه قانون‌گذار. به هر حال، تعریف جرم در مقام پاسخ به پرسش قانون‌گذار، پیچیدگی بسیاری دارد و همان چیزی است که دل‌مشغولی جرم‌شناسان را در بحث جرم‌انگاری^۵ فراهم آورده است.

اما تعریف قانونی جرم، یعنی چیزی که مردم و قوه قضاییه با آن روبه‌رو هستند، مورد توجه تمامی حقوق‌دانان قرار گرفته است. در اینجا نیز اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. شاید بتوان تعریف زیر را یکی از بهترین تعریف‌ها دانست: «جرم، هر فعل یا ترک فعلی است که قانون‌گذار برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته است».^۶ با توجه به این تعریف، نقض بسیاری از دیگر تعریف‌ها روشن می‌شود. مثلاً گفته شده «جرم، هر فعلی است که مجازات کیفری داشته باشد».^۷ این تعریف، ترک فعل را دربر نمی‌گیرد و به اقدامات تأمینی و تربیتی بی‌توجه است.

گفتار دوم: تعریف جرم از دیدگاه جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان

حقوق، علمی اعتباری است و موضوعات حقوقی، مفاهیمی اعتباری و قراردادی هستند. بدین لحاظ مهار خلق مفاهیم حقوقی به دست قانون‌گذار و تفسیر آن به دست دادرسان و

1. Human right approach

2. Robwhite, Fione Haines, *Crime and Criminology*, Melborn, Oxford University Press, 1999. p.4.

3. Formal legal defenition

4. Ibid.

5. Criminalization

۶. تعریف استفانی ولواسور نزدیک به همین مضمون است: هر عمل خلاف نظم اجتماعی که مرتکب را در معرض تحمل یک مجازات یا یک اقدام تأمینی (کمک، نظارت، آموزش و پرورش، مداوای طبی، ترک مواد مخدر یا الکل و کار برای نفع عمومی) قرار دهد (ولواسور، جزای عمومی، ترجمه دادبان، ج ۱، ص ۱۴۵).

۷. زاکی صافی طه، القوائد الجزائية العامة فقهاً و اجتهاداً، ص ۲۱؛ والزغبی، الموسوعة الجزائية، ص ۲۳۲.

مجریان قانون است. بنابراین، تعریف جرم و تعیین مصادیق آن همچون قتل، سرقت، تخریب و... به دست قانون‌گذار است. دادرس برای آنکه بداند چه عملی جرم است، کافی است به مجموعه قوانین مراجعه کند و برای آنکه بداند چه کسی مجرم است، کافی است عمل وی را با مفاهیم قانونی تطبیق دهد. از این رو، در گذشته‌های نه چندان دور، علم حقوق را از شاخه‌های علم منطقی می‌انگاشتند؛ زیرا وظیفه قاضی را تطبیق کبرای کلی (مفهوم جرم) بر صغرا (عمل مرتکب) می‌دانستند.^۱ اما جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی، جزء علوم تجربی (از شاخه علوم انسانی) به شمار می‌روند که با پدیده‌های خارجی، البته از نوع اجتماعی آن سروکار دارند و به ریشه‌یابی علل آنها در گذشته و پیش‌بینی وقوع آنها در آینده می‌پردازند. جامعه‌شناسان راجع به هر پدیده اجتماعی همچون ورزش، خانواده، و سایر ارتباط جمعی، طبقات اجتماعی و از جمله جرم و انحراف به بحث و تحقیق می‌پردازند. دایره بررسی جرم‌شناسان، محدودتر و فقط مربوط به جرم و انحراف است. روش کار آنان یکسان و تعامل میان این دو رشته بسیار زیاد است. امروزه در بیشتر کتاب‌های جامعه‌شناسی، بخشی با عنوان جرم و انحراف^۲ وجود دارد. کار جامعه‌شناس و جرم‌شناسی، بررسی پدیده خارجی قتل، سرقت، ارتشا و... و ریشه‌یابی علل و قواعد حاکم بر آن است.

جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان، گاه به همان تعریف قانونی جرم که از سوی حقوق‌دانان صورت می‌گیرد، بسنده می‌کنند؛ چنانکه دورکیم می‌گوید: «هر عملی که قانون آن را مجازات کند، جرم است»^۳ که این همان تعریف قانونی جرم است. گاه نیز به اوصاف اجتماعی مصادیق جرم می‌پردازند: «جرم، عملی است که اگر افراد عادی، یعنی اکثریت جامعه در شرایط مجرم قرار می‌گرفتند، آن را انجام نمی‌دادند. از این رو، جرم، عملی است که در مقایسه با رفتار عادی اکثریت مردم نارواست و به همین دلیل، مجرمان همواره اقلیتی را در جامعه تشکیل می‌دهند»^۴. گاه جرم و انحراف را به شکلی کلی، به معنای نقض هنجارهای جامعه تعریف می‌کنند^۵ و در مقام تفکیک بین آن دو می‌گویند اگر این عمل نابهنجار، از نظر قانون قابل مجازات باشد، آن را جرم و اگر مجازات نداشته باشد انحراف می‌نامیم. گاه جرم‌شناسان به رهیافت‌های گوناگون از سوی مکاتب جرم‌شناسی اشاره و در

۱. نجومیان، زمینه حقوق تطبیقی، ص ۲۸.

2. Crime and deviance

۴. رمسیس، علم الاجرام، ص ۲۹.

۳. طالب حسن، علم الاجرام، ص ۱۱.

5. Donald Light, Suzan Keller, *Craig Calhom*, op. cit., p.155.

نهایت با تلفیقی از آنها جرم را چنین تعریف می‌کنند: «جرم، نقض آن دسته از قواعد رفتار اجتماعی است که از سوی یک مجموعه قانون کیفری بیان و تفسیر شده است. این قانون از طرف کسانی خلق شده که دارنده قدرت سیاسی و اجتماعی هستند. ناقضان این قواعد در معرض مجازات از سوی مقامات دولتی، برچسب اجتماع و از دست دادن وضعیت خود هستند»^۱. چنانکه ملاحظه می‌شود، این تعریف، هم دیدگاه حقوقی جرم و هم دیدگاه مکاتب جرم‌شناسی واکنش اجتماعی مانند برچسب‌زنی و جرم‌شناسی رادیکال را با هم تلفیق کرده است. به نظر می‌رسد می‌توان مجموع تعریف‌های جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان را در تعریف زیر خلاصه کرد: «جرم، عملی ناقض ارزش‌ها و هنجارهای جامعه^۲ است که از مرز تحمل‌پذیری جامعه می‌گذرد و از سوی حکومت مجازات می‌شود».

آنچه گفته شد، تعریف جرم از دیدگاه جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان بود، ولی تحلیل جرم و بررسی عوامل آن از دیدگاه این دو علم، خارج از موضوع این کتاب، و به بررسی کتاب‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی نیازمند است.

گفتار سوم: تعریف جرم از دیدگاه روان‌شناسی

روان‌شناسی نیز علمی تجربی و در پی یافتن علت‌های روانی جرم و تحلیل شخصیت مجرم است. کتاب‌های فراوانی با عنوان روان‌شناسی جنایی به این امر پرداخته‌اند و امروزه رشته‌هایی به نام جرم‌شناسی روان‌شناختی^۳ وجود دارد که متکفل بررسی نقش عوامل روانی در ارتکاب جنایت است. چنانکه گفته شد، موضوع تحقیق روان‌شناسی جنایی، شخص مجرم و رفتار مجرمانه است که پدیده‌ای عینی و خارجی است، ولی جرم به عنوان پدیده‌ای انتزاعی و قانونی، از محل بحث آنان خارج است. از این رو، در کتاب‌های

1. J. Siegel Larry, *Criminology*, 1998, ITP. U.S., 6th ed., p.19.

۲. میان ارزش (value) و هنجار (norm) تفاوت وجود دارد. ارزش‌ها اموری هستند که مقبولیت اجتماعی دارند و مورد مدح و ستایش قرار می‌گیرند، اما هنجارها اموری هستند که اکثریت قریب به اتفاق جامعه عملاً بدان پای‌بند هستند؛ اگرچه جنبه ارزش نداشته یا حتی ضدا ارزش باشند. میان مصادیق این دو مفهوم، رابطه عموم و خصوص من‌وجه وجود دارد. برخی از امور ارزش هستند، ولی نرمال نیستند؛ مثل زهد و ریاضت. برخی امور نرمال هستند، ولی ارزشی شمرده نمی‌شوند؛ مانند بسیاری از جرایم کوچک یا امور غیر اخلاقی (غیبت - دشنام). برخی از امور، هم ارزشی هستند و هم نرمال؛ مانند رعایت قانون در کشورهایی که مردم به قانون احترام می‌گذارند یا عفاف زنان در جوامع سنتی اسلامی. برای توضیح بیشتر در مورد رابطه ارزش و هنجار، ر.ک: Donald Light, op. cit., p.59.

3. Psychological criminology

روان‌شناسی جنایی به همان تعریف قانونی از جرم بسنده کرده و آن را به عنوان اصل موضوع از حقوق وام گرفته‌اند.^۱

گفتار چهارم: تعریف جرم از دیدگاه فقهی

جرم، مهم‌ترین موضوع حقوق کیفری است؛ به گونه‌ای که تمامی مباحث حقوق کیفری به گونه‌ای با آن مرتبط است. بررسی رکن مادی، معنوی و قانونی، در واقع گفت‌وگو از اجزای گوناگون جرم و بحث از معاونت و مباشرت و شرکت، بحث از نحوه دخالت مجرم در ارتکاب جرم است. مباحث مسئولیت کیفری، به شرایط لازم برای مسئول دانستن مرتکب جرم می‌پردازند و مباحث مربوط به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، واکنش جامعه را در برابر جرم بررسی می‌کند. بر این اساس، تعریف جرم در حقوق کیفری اهمیت ویژه‌ای دارد. در مباحث گذشته، تعریف جرم از دیدگاه حقوق موضوعه مورد بحث قرار گرفت و گفته شد که از دیدگاه مؤلفان این کتاب، جرم عبارت است از فعل یا ترک فعلی که قانون‌گذار برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر کرده است. اما آیا در ادبیات حقوق کیفری اسلامی نیز جرم به همین معناست؟ آیا با توجه به نقش محوری گناه در حقوق کیفری اسلام، جرم همان گناه است؟ آیا هر گناهی در حال حاضر قابل مجازات است؟ در این فصل می‌کوشیم بدین پرسش‌ها و موارد مشابه آن پاسخ دهیم.

برخی از نویسندگان، بحث از جرم را با بررسی معنای لغوی واژه «جرم» آغاز کرده‌اند؛^۲ در حالی که چنین کاری کافی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا صرف آنکه ما امروزه به اعمالی که از طرف حکومت ممنوع است و ارتکاب آن مجازات دارد، جرم می‌گوییم، دلیل نمی‌شود که در متون اولیه اسلامی نیز در ازای چنین اعمالی فقط واژه جرم به کار می‌رفته است. بنابراین، باید بحث را از مفهوم و مصداق جرم شروع کرد نه واژه جرم؛ بدین معنا که باید بررسی شود در متون اولیه اسلامی همچون قرآن و احادیث، بر مجموعه اعمالی که امروزه جرم نامیده می‌شوند و واجد اوصاف جرم هستند، چه واژه‌ای اطلاق می‌شده و تعریف آنها از جرم چه بوده است.

۱. ر.ک: همسن، روان‌شناسی کیفری، ترجمه پرویز صانعی، ص ۲۴؛ ابراهیم لیلۀ رزق سند، قراءات فی علم النفس الجنائی، ص ۱۰.

Batrol Curt, R. *Criminal Behavior a Psychosocial Approach*, 1995, Englewood Cliffs, U.S., 4th ed., p.17.

۲. ر.ک: ابوزهره، الجرمة والعقوبة فی الفقه الاسلامی، ص ۲۱.

کنفرانس اجرای حقوق کیفری اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم، در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی در عربستان جرم را چنین تعریف کرده است: «جرم، مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد. هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است».^۱ نویسنده کتاب التشریح الجنائی بحث را با تعریف ماوردی از جرم شروع می‌کند که: الجریمة محضورات شرعیة زجر الله عنها بحدّ او تعزیر؛ جرم، ارتکاب اموری است که شرعاً ممنوع است و خداوند متعالی به وسیله حد یا تعزیر دیگران را از ارتکاب آن بازداشته است.^۲ وی سپس به شرح «محضورات شرعیة» می‌پردازد و چنین نتیجه می‌گیرد که جرم عبارت است از انجام فعل حرامی که انجامش مجازات دارد یا ترک کردن عملی که ترکش مجازات دارد و به عبارت دیگر، فعل یا ترک فعلی که دین بر حرمت و مجازات آن تصریح کرده است.^۳ ابوزهره نیز گفته است جرم همان معصیت خداست؛ خواه انجام اموری که از آنها نهی شده یا ترک اموری که به آنها امر شده، و هر جرمی در دین مجازات دارد؛ خواه در دنیا یا در آخرت. البته فقها، این معنای عام را به آنچه عقوبت دنیوی دارد اختصاص داده‌اند. از این رو، ماوردی گفته است جرم ممنوعات شرعی است که خدا با حد یا تعزیر از آنها منع کرده است.^۴

چنانکه می‌بینیم، وی جرم را همان معصیت، ولی نهائتاً اخص از معصیت می‌داند. برخی نیز جرم را اعم از معصیت می‌دانند؛ زیرا تعزیر را دربردارنده ترک مستحبات و انجام مکروهات و اموری که به دلیل مصلحت عامه ممنوع شده‌اند، می‌دانند؛^۵ که البته این نظریه نادری است. بنابراین، ما با این پرسش روبه‌رو هستیم که: چه نسبتی میان جرم (در مفهوم حقوقی آن) و گناه (در مفهوم شرعی آن) وجود دارد؟ آیا هر معصیتی جرم است و حکومت می‌تواند مرتکب آن را مجازات کند؛ اگرچه گناهانی باشند که جنبه قلبی دارند مثل ریا، حسد، تکبر، شرک و کفر؟ آیا گناهان قلبی از این مسئله استثنا شده‌اند؟ در آن صورت، چرا ارتداد در اسلام قابل مجازات است؟ آیا تفاوتی میان گناهان صغیره و کبیره وجود ندارد و حتی گناهانی کوچک مانند نظر به نامحرم نیز جرم است؟ از سوی دیگر، آیا هر جرمی گناه

۱. گرجی، «گزارش کنفرانس اجرای حقوق کیفری اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم»، نشریه مؤسسه تطبیقی دانشگاه تهران، ش ۲، ص ۱۲۵.

۲. عوده، التشریح الجنائی، ص ۶۶.

۳. ابوزهره، الجریمة والعقوبة فی الفقه الاسلام، ص ۲۱.

۵. النبراوی، سقوط الحق فی العقاب، ص ۵۷۷. نگارنده مطلب فوق را به نقل از عبدالعزیز عامر در التعزیر فی الشریعة الاسلامیه آورده است.

است و بر این اساس، عبور از چراغ قرمز، همان آثار گناهان الهی را دارد و شخص را فاسق می‌کند و شهادت وی در طلاق یا در دادگاه پذیرفته نخواهد شد؟ اگر هر جرمی گناه باشد، آیا جرم‌های غیر عمدی نیز مشمول همین حکم خواهند بود؛ یعنی تقصیر کارفرما در صورتی که منجر به حادثه‌ای برای کارگری شود، موجب معصیت و فسق کارفرما خواهد شد؟ باید توجه داشت برای یافتن نسبت رابطه منطقی جرم و گناه، باید هم بدین پرسش پاسخ داد که آیا هر گناهی جرم است و هم بدین پرسش که آیا هر جرمی گناه است. پرسش نخست، پرسشی حقوقی است؛ زیرا از تبدیل گناه به جرم که مقوله‌ای حقوقی است سخن می‌گویند. اما پرسش دوم که از گناه بودن یا نبودن جرم‌هایی مانند چک بی‌محل، عبور از چراغ قرمز، ثبت نکردن واقعه ازدواج و امثال آنها سخن می‌گویند که یا اصلاً در شرع مطرح نشده یا عنوان گناه نداشته است، پرسشی است که در فقه اسلامی بررسی می‌شود و در این کتاب بدان نمی‌پردازیم.

به نظر می‌رسد برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده، باید ابتدا نسبت جرم و گناه را در صدر اسلام روشن کرد و پس از آن به تبیین نسبت آن دو در زمان حاضر پرداخت.

الف) جرم و گناه در صدر اسلام

پیش از ورود به بحث باید خاطر نشان کرد که گناهان قلبی مانند حسد و ریا از محل بحث خارج هستند؛ زیرا جرم نبودن آنها با وجود کبیره بودنشان یقینی است. به‌رغم تتبع فراوان در متون تاریخی و روایی، در هیچ گزارش تاریخی دیده نشده که پیامبر اسلام، امیرمؤمنان و سه خلیفه نخست، کسی را به دلیل حسد یا ریا مجازات کرده باشند و چنانکه در بحث از رکن مادی خواهد آمد، اسلام نیز به لزوم تحقق رکن مادی برای تحقق جرم معتقد است. بنابراین، محل بحث ما، دیگر گناهانی است که به شکل فعل یا ترک فعل واجد رکن مادی هستند.

بنا به دلایل زیر، در صدر اسلام میان آنچه در اصطلاح حقوقی جرم و در اصطلاح شرعی گناه نامیده می‌شود، بنا بر اصطلاح علم منطق رابطه تساوی برقرار بوده است؛ یعنی هر گناهی جرم تلقی می‌شده است.

۱. به یقین اصل قانونی بودن جرم، یکی از آموزه‌های قابل قبول در دین اسلام بوده و قبل از بسیاری از نظام‌های حقوقی، این اصل از سوی اسلام اعلام و اجرا شده است.^۱ اما هیچ

گزارش تاریخی در دست نیست که در حکومت پیامبر اسلام (ص)، علی (ع) و حتی خلفای سه‌گانه، فهرستی از جرایم اعلام و برای آنها تعیین مجازات شده باشد. به غیر از جرایمی که مجازات آنها حدود، قصاص و دیات است، در دیگر مواردی که تعداد آنها بسیار بیشتر است، در کنار گناه چیزی با عنوان جرم اعلام نمی‌شده است.

۲. مراجعه به مهم‌ترین منبع حقوقی اسلام یعنی قرآن کریم نشان می‌دهد در ازای آنچه از نظر قضایی اعمال مجرمانه می‌نامیم، ۲۴ واژه (با صرف نظر از مشتقات آن) به کار رفته است که عبارت‌اند از: افساد، کفر، شرک، ظلم، عُتُو، عصیان و معصیت، اعتداء و عدوان، سیئه و سوء، فحشاء، اثم، فتنه، منکر، جرم، ذنب، جُنَاح، اسراف، خِطْأ، فسق، مکروه، طغیان، وزر، حُنْث، فجور، بغی.

نکته مهم آن است که این اصطلاحات به طور هم‌زمان، هم برای اعمالی که صرفاً جنبه عبادی و اخلاقی و شخصی داشته و تنها مجازات اخروی دارد به کار رفته مانند حسد، کبر، ریا، شرک و کفر (بدون ابراز آنها) و هم برای اعمالی که در عرف حقوقی امروز جرم نامیده می‌شود؛ خواه جنبه حق‌اللهی داشته باشد، مانند زنا، لواط، شرب خمر و خواه جنبه حق‌الناس مانند قذف، قتل و سرقت. برای مثال، واژه «مکروه» در مورد قتل، زنا، تکبر، خوردن مال یتیم و کم‌فروشی به کار رفته است^۱ یا واژه «ظلم» در مورد شرک، لواط^۲ و سرقت^۳ استعمال شده است. نه تنها یک واژه برای چندین عمل مجرمانه به کار رفته، بلکه برای یک عمل مجرمانه از چندین اصطلاح استفاده شده است. مثلاً در مورد لواط کلمات سیئات، جرم، عدوان و فسق به کار رفته است.^۴

این اشتراک در اصطلاحات موجب می‌شد مردم از جرم و گناه، تلقی واحدی داشته باشند.

۳. وجوب امر به معروف و نهی از منکر، از مسلمات فقه اسلامی و مورد قبول تمامی فرقه‌های اسلامی است. مفاد این حکم برخورد با هرگونه منکر است و منکر نیز چیزی جز محرمت شرعی نیست. لازمه عموم و اطلاق ادله نهی از منکر، تعزیر مطلق گناهان - خواه صغیره خواه کبیره - است و برخی بدین امر فتوا داده‌اند.^۵ برخی از فقها قید کبیره بودن را به

۱. اسراء، ۳۸. ۲. عنکبوت، ۳۱.

۳. مائده، ۳۸.

۴. به ترتیب هود، ۷۸؛ اعراف، ۸۴؛ حجر، ۵۸؛ شعراء، ۱۶۶ و عنکبوت، ۳۴.

۵. منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۴.

گناهان اضافه کرده‌اند^۱ که لازمه آن، تعزیر نکردن گناهان صغیره است، در حالی که برخی از فقها، صغایر را تنها در حالتی که مرتکب از کبایر بپرهیزد، قابل اغماض و در غیر این صورت آن را نیز قابل تعزیر می‌دانند.^۲

پذیرش چنین قیودی تا اندازه‌ای مشکل است؛ زیرا به دلیل پذیرش اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اگر چنین قیودی مدنظر شارع می‌بود، باید با ارائه فهرستی، معاصی را از یکدیگر تفکیک می‌کرد. افزون بر آنکه مواردی وجود دارد که تعزیر صورت گرفته، ولی عمل کبیره نیست، مانند خوردن گوشت خوک،^۳ قصه‌گویی در مسجد،^۴ امتناع از نفقه،^۵ استمناء،^۶ گدایی از طرف شخص غیر نیازمند^۷ و شروع به قوادی.^۸

۴. ریاست حکومت در زمان پیامبر اکرم (ص) از ویژگی عصمت برخوردار بوده؛ به‌گونه‌ای که اطاعت آنان اطاعت خدا و معصیت آنان معصیت خدا شمرده می‌شده است.^۹ همین مسئله، حتی به فرمان‌های حکومتی نیز رنگ شرعی و الهی می‌بخشیده است.

اما نظریه تساوی جرم و گناه با این اشکال بزرگ روبه‌روست که در صدر اسلام، تمامی گناهان از خرد و درشت تعزیر نمی‌شده است و اصولاً چنین کاری، نه ممکن است و نه به مصلحت. خلف وعده، غیبت، اسراف، تبذیر، دروغ، نگاه به نامحرم، تندبازی با پدر و مادر و اطاعت نکردن از آنها، همگی گناهانی هستند که بسیاری از آنها کبیره نیز شمرده می‌شوند و به‌طور روزمره از تعداد بی‌شماری از مردم سر می‌زند و طبیعی است پی‌گیری و اجرای

۱. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۴۸.

۲. همان، ص ۴۴۹. مستند کسانی که مرحوم صاحب‌جواهر این فتوا را بدانان نسبت می‌دهد. این آیه قرآنی است: «إِنَّ

تَجْتَنَّبُوا كِتَابَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ لَكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ».

۳. کلینی، فروع کافی، ج ۷، باب النوادر، ص ۲۶۳، ح ۲۹.

۴. همان، ص ۲۶۱، ح ۲۱.

۵. طوسی، تهذیب الاصول، ج ۱۰، ص ۶۴، ح ۱۶.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۲ از ابواب بقیه الحدود، ح ۱.

۷. قزوینی، سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۸۷۲.

۹. در آیات متعددی از قرآن، نافرمانی رسول خدا و نافرمانی خداوند در کنار هم قرار گرفته و مجازات اخروی برای آن تعیین شده است؛ مانند «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را نمایند و از مرزها و حدود الهی تجاوز کند، خداوند او را به آتشی داخل می‌کند که در آن جاودان خواهد ماند و برای او شکنجه‌ای خوارکننده وجود خواهد داشت» (نساء، ۱۴) یا «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا؛ هنگامی که خداوند و رسولش به کاری فرمان دهند، سزاوار نیست هیچ مرد و زن مؤمنی در کار خود اختیاری داشته و چیزی را انتخاب کنند و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را نمایند، به درستی گمراه خواهد شد؛ آن هم چه گمراهی آشکاری» (احزاب، ۳۶). بنا بر اعتقاد امامیه، دیگر معصومان نیز از همین شأن برخوردار هستند.

تعزیر در مورد همه آنها، نه ممکن است و نه عملاً رخ داده است. در این مورد می‌توان به نمونه‌های تاریخی متعددی، مانند دروغ ولید بن عقبه به پیامبر اکرم (ص) که مسلمانان را در معرض جنگی ناخواسته قرار داد^۱ یا قتل مردم مکه به دست خالد بن ولید،^۲ اعتراض ذوالخویصره به پیامبر اکرم و نسبت دادن بی‌عدالتی به وی،^۳ نافرمانی اصحاب در جنگ احد^۴ و غیره اشاره کرد. در هیچ‌یک از این موارد، مرتکبان، با تعزیر پیامبر اکرم روبه‌رو نشدند یا دست‌کم گزارشی تاریخی در این مورد وجود ندارد.^۵ البته موارد یاد شده، تنها به علت اهمیت آن در تاریخ ذکر شده است، اما چه بسا گناهی همچون دروغ، غیبت و نگاه به نامحرم که از طرف اصحاب صورت می‌گرفت و تنها با تذکر اخلاقی پیامبر اکرم روبه‌رو می‌شد. به همین دلیل است که برخی از حقوق‌دانان اسلامی، رابطه میان جرم و گناه را عموم و خصوص مطلق دانسته‌اند؛ یعنی در حقوق اسلامی، گناه اعم از جرم است، زیرا شامل مسائل عبادی و گناهان شخصی نیز می‌شود که تنها ضمانت اجرای اخروی دارد.^۶

بنابراین، اگر جرم را مساوی گناه بدانیم، با اشکال فوق روبه‌رو هستیم که چرا تمامی گناهان مجازات نمی‌شدند و اگر گناه را اعم از جرم بدانیم، با اشکال سابق روبه‌رو هستیم که چرا شارع با تهیه فهرستی از گناهان، به تفکیک جرایم از غیر جرایم نپرداخته است. اینجاست که طرح فرضیه‌ای جامع در این مورد ضروری می‌نماید.

در این مورد احتمالات گوناگونی وجود دارد که هر یک می‌تواند فرضیه‌ای تشکیل دهد. پیش از بررسی این احتمالات، تذکر این نکته ضروری است که تمسک به سنت فعلی^۷ در مورد وضعیت جرم و گناه در صدر اسلام دو مشکل دارد:

۱. برخلاف سنت قولی که چون از سنخ الفاظ است، قواعد الفاظ بر آن حاکم است و می‌توان به ظاهر لفظ تمسک کرد و از حجیت عموم و اطلاق آن برخوردار شد، سنت فعلی از سنخ لفظ نیست و نمی‌توان احتمال وجود قیود و شرایطی را که ممکن است مدنظر پیامبر اکرم (ص) یا امیرمؤمنان (ع) بوده و بدان دلیل عملی را انجام داده یا ترک کرده باشند، با اصل

۱. ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج ۳، ص ۳۰۸. ۲. همان، ج ۴، ص ۱۳۹.

۳. همان، ج ۴، ص ۷۲. ۴. آل‌عمران، ۱۵۲.

۵. برخلاف داستان «افک» که پیامبر اکرم اصحاب افک را مجازات و حد قذف را در مورد آنان جاری کردند. این مسئله در کتاب‌های تاریخ آمده است. در این مورد رک: طبری، ج ۲، ص ۲۶۸.

۶. گرجی، مقالات حقوقی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۷. سنت عبارت است از قول و فعل و تقریر معصوم. بنابراین، سنت فعلی در مقابل سنت قولی و تقریری است.

عدم شرطیت و قیدیت نفی کرد. بنابراین، همواره در مورد اعمال معصومان این احتمال وجود دارد که ممکن است بر اساس مصالحی که بر ما پوشیده است، انجام یافته باشد. از این رو، سنت قولی در مقایسه با به سنت فعلی، همواره استحکام و دلالت بیشتری دارد.

۲. در خصوص شخص پیامبر اکرم (ص) برخوردهای ایشان را به دلیل اینکه در حال شکل دهی انقلابی اجتماعی و پیاده کردن رسالت الهی بوده اند، نمی توان همواره در قالب حکومت اسلامی که تمامی چهارچوب های آن تعیین شده است، ارزیابی کرد. به عبارت دیگر، حوادث زمان آن حضرت، حوادثی در روند یک انقلاب است و طبیعی است با برخوردهای یک حکومت تثبیت شده تفاوت دارد. مثلاً رهبر یک انقلاب ممکن است از خطاهای انقلابیان در طول شورش هایی که به سقوط رژیم می انجامد، درگذرد، ولی پس از تثبیت انقلاب، همین ارتش شورشی در قالب ارتش کلاسیک موظف به رعایت قوانین دقیق نظامی است. بنابراین، به نظر می رسد برخوردهای امیرمؤمنان (ع) از آنجا که در چهارچوب یک حکومت تثبیت شده صورت می گرفته، بیشتر قابل ارزیابی حقوقی است. به هر حال مشکل اول، یعنی ابهام سنت فعلی، در مورد هر دو حکومت وجود دارد و برای حل آن باید به اطلاق و عمومات ادله لفظی مراجعه کرد. اینک پس از تذکر این دو نکته، به بحث نخستین خویش باز می گردیم.

به نظر می رسد فرضیه تساوی گناه و جرم در صدر اسلام، به واقع نزدیک تر باشد و برای اشکال وارد بر این فرضیه می توان پاسخی اندیشید. اشکال عمده این فرضیه آن بود که اگر هر گناهی جرم بوده است، چرا عملاً تمامی گناهان مورد تعقیب و مجازات قرار نمی گرفته است؟ در این مورد می توان به دلایل زیر اشاره کرد:

اول: از دیدگاه سیاست جنایی: در پاسخ به پرسش فوق از این دیدگاه می توان گفت عدم تعقیب تمامی گناهان در صدر اسلام، ناشی از سیاست جنایی قضایی خاصی بوده است که می توان آن را سیاست گزینشی نامید؛ چیزی که به قاعده «موقعیت داشتن تعقیب» یا «بایگانی پرونده برخی جرایم» در پاره ای از کشورهای جهان در حال حاضر شبیه است.^۱ در چنین

۱. قاعده موقعیت داشتن تعقیب، در مقابل قاعده قانونی بودن تعقیب یا الزامی بودن تعقیب است. در قاعده اخیر مقام تعقیب موظف است بر اساس قانون با اعلام جرم از سوی شاکی یا ضابطان، تعقیب متهم را شروع کند؛ در حالی که در قاعده موقعیت داشتن تعقیب، وی می تواند تحت شرایطی مانند نوع جرم، فقدان سابقه کیفری، فقدان شاکی خصوصی و...، قرار تعلیق تعقیب متهم را صادر کند و مانع از به جریان افتادن دعوی کیفری شود. در تعلیق تعقیب چنانچه متهم برای مدتی مرتکب جنحه یا جنایت نشود، تعقیب برای همیشه متوقف خواهد شد.